

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(مسئله ۷۶): إذا كان الصائم بالواجب المعين مشتغلاً بالصلاة الواجبة فدخل في حلقه ذباب أو بق أو نحوهما أو شيء من بقايا الطعام الذي بين أسنانه و توقف إخراجة على إبطال الصلاة بالتكلم بأخ أو بغير ذلك ، فإن أمكن التحفظ والإمساك إلى الفراغ من الصلاة وجب وإن لم يمكن ذلك و دار الأمر بين إبطال الصوم بالبلع أو الصلاً بالإخراج فإن لم يصل إلى الحد من الحلق كمخرج الخاء و كان مما يحرم بلعه في حد نفسه كالذباب و نحوه وجب قطع الصلاة بإخراجه ، ولو في صيق وقت الصلاة ، و إن كان مما يحل بلعه في ذاته كبقايا الطعام ففي سعة الوقت للصلاة ولو بإدراك ركعة منه يجب القطع و الإخراج ، و في الضيق يجب البلع و إبطال الصوم تقديماً لجانب الصلاة لأهميتها و إن وصل إلى الحد فمع كونه مما يحرم بلعه وجب إخراجه بقطع الصلاة و إبطالها على إشكال و إن كان مثل بقايا الطعام لم يجب وصحت صلاته و صح صومه على التقديرين لعدم عد إخراج مثله قبيحاً في العرف .

بحث ما در مسئله ۷۶ بود و فرض مسئله این بود که کسی مشغول نماز واجب بوده و صائم به صوم واجب هم بوده و در این حال مگس و یا پشه ای به حلقش وارد شده یعنی حیوانی که فرو بردن آن از جهت اینکه جزء خبائث است و حیوان غیر مزکی است حرام می باشد و فرض دیگر این است که مقداری از غذا لای دندانهایش باقی مانده بوده و چون صائم است نمی تواند آن را فرو ببرد چونکه اکل محسوب می شود و از طرفی هم اگر بخواهد اینها را از دهانش بیرون بیاورد نمازش بهم می خورد بنابراین در اینجا امر دائر است بین اینکه روزه اش را به هم بزند یعنی آن را

قورت بدهد و مرتکب اکل بشود و بین اینکه آنها را از دهانش در بیاورد و نمازش را باطل کند و دوباره نماز بخواند ، خوب صاحب عروة در اینجا چند صورت را تصور کرده است ؛ صورت اول این است که اگر ممکن است آن ها را در دهانش نگه دارد و تحفظ کند تا پایین نروند و از طرفی هم نمازش را ادامه بدهد و تمام کند که در این صورت هم نمازش را حفظ کرده و هم روزه اش را با فرو بردن آنها باطل نکرده ، و اما اگر ممکن نیست و نمی تواند تحفظ کند مثلاً در اول نمازش قرار دارد و نمی تواند تا آخر نماز تحفظ کند در اینجا چهارصورت تصور شده است ؛ صورت اول این است که آن چیزی که داخل به دهانش شده به حلق نرسیده فلذا فرو بردنش اکل محسوب می شود و از طرفی هم فرض کنید که آن چیزی که به حلق نرسیده از مما يحرم أكله مثل پشه و مگس می باشد که خوب در اینجا از دو جهت اشکال پیش می آید یکی از جهت روزه بودن و فرو بردن آن که اکل محسوب می شود و یکی از جهت اینکه فرو بردن آن ولو اینکه روزه هم نباشد حرام است چون جزء خبائث می باشد ، خوب صاحب عروة در این فرض می فرمایند برای اینکه دو حرام مرتکب نشود باید نمازش را به هم بزند و این به هم زدن نماز در اینجا حالات مختلفی پیدا می کند ؛ گاهی وقت وسیع است و می تواند به هم بزند و دوباره نمازش را اداء بجا بیاورد و گاهی وقت ضیق است که در اینجا صاحب عروة می فرمایند علی ای حال بایستی نمازش را به هم بزند ولو اینکه وقت ضیق باشد ، البته ما یک قاعده فقهی داریم که ؛ **من أدرك ركعة من الوقت قد أدرك الوقت كله** ، مثلاً فرض کنید به مقدار پنج رکعت وقت مانده به غروب و شخصی هنوز نماز ظهر و عصرش را نخوانده خوب در اینجا باید هر دو را بخواند زیرا ظهر را کاملاً در وقت می خواند و اگر یک رکعت از عصر را که در وقت بخواند مثل این است که کاملاً عصر را در وقت خوانده است منتهی صاحب عروة می فرمایند در تمام صور حتی در جایی که یک رکعت را می تواند درک کند و یا نمی تواند درک کند باید نمازش را به هم بزند و آن را از دهانش بیرون بیاورد زیرا در تمام صور اگر آن را قورت بدهد مرتکب دو حرام یعنی اکل خبائث و ابطال روزه شده است ولی اگر نمازش را

خوب امروز چهارشنبه است و بحث اخلاق ما به اینجا رسید که
...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین

بشکند فقط مرتکب یک حرام یعنی شکستن نماز می شود ، و حضرت امام رضوان الله علیه در اینجا حاشیه ای دارند و فرموده اند ؛ لا یبعد تقدیم جانب الصلاة إن ضاق الوقت عن إدراک رکعة : چنانچه طور است که اگر آن را بیرون بیاورد یک رکعت از نماز در وقت را می تواند درک کند باید جانب نمازش را مقدم بدارد و إلا فلا ، و ما عرض می کنیم که این حرف صحیح است زیرا ولو اینکه آن طرف دو حرام و این طرف یک حرام است منتهی نماز هم دارای اهمیت فوق العاده ای است .

صورت دوم این است که آن چیزی که به دهانش آمده از مما یحرم أکله نبوده بلکه مثلاً بقایای طعامی بوده که قبلاً خورده و مقداری از آن لای دندانهایش مانده بوده و امر دائر است بین حفظ نماز و حفظ روزه که در اینجا اگر در وسعت وقت قرار دارد و یا حتی اگر یک رکعت از نمازش را می تواند درک کند واجب است نمازش را قطع کند و آن را خارج نماید ولی اگر در ضیق وقت قرار دارد واجب است آن را ببلعد و روزه اش را باطل کند زیرا نماز اهمیتش از روزه بیشتر است .

صورت سوم این است که آن چیزی که به دهانش آمده به حد حلق رسیده است ، که در اینجا اگر از مما یحرم أکله مثل پشه و مگس باشد واجب است که نمازش را قطع کند و آن را اخراج کند منتهی ایشان در آخر عبارتشان فرموده اند ؛ علی اشکال : چون که نماز دارای اهمیت بیشتری نسبت به روزه می باشد .

صورت چهارم این است که اگر آن چیزی که به دهانش آمده و رفته از حد حلق گذشته از بقای طعام باشد دیگر واجب نیست آن را اخراج کند زیرا فرو بردنش اکل محسوب نمی شود و هم نمازش صحیح است چون آن را قطع نکرده و هم روزه اش صحیح است زیرا چیزی نخورده چرا که آن از حد حلق گذشته بوده ، و بعد ایشان در آخر عبارتشان می فرمایند در این دو صورت اخیر صومش صحیح می باشد زیرا بیرون آوردن آن مثل قی کردن نیست و فرو بردن آن هم اکل محسوب نمی شود که موجب بطلان صوم شوند .